درس ششم: بازتولید هویت اجتماعی

بازتولید هویت اجتماعی: به معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

- هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند ← این جامعه پس از تولد هر فرد بخشی از هویت او را تعیین می‌کند ← **یعنی**: آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است در نظر می‌گیرد.
- هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد ← فرد برای مشارکت در جامعه این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد ← شیوهٔ زندگی در جامعه را فرا می‌گیرد ← به‌تدریج با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد آشنا می‌شود.

عوامل آشنایی فرد با جامعه

- فرد اولین و مهم‌ترین آشنایی‌های خود را با جامعه در خانواده با آموزش‌های اساسی که می‌بیند پیدا می‌کند.
- مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه‌های همسالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی هستند.

جامعه‌پذیری: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، گفته می‌شود.

کژروی اجتماعی: به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند گفته می‌شود.

روش‌های جامعه برای پیشگیری از کژروی اجتماعی و کنترل آن‌ها

- تبلیغ و اقناع: جامعه می‌کوشد از طریق آموزش، افراد را قانع کند عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند.
- تشویق و پاداش: به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد.
- تنبیه و مجازات: کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

کنترل اجتماعی: به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، می‌گویند.

جامعه‌ای که روش‌های مناسب برای کنترل اجتماعی نداشته باشد

- در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد.
- دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

@DaneshSad

- راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی
  - امر به معروف
  - نهی از منکر

افراد در بدو تولد هویت اجتماعی انتسابی خود را به‌صورت انفعالی در محیط خانواده می‌پذیرند ← به‌تدریج با فعالیت‌هایشان هویت اکتسابی خود را به‌دست می‌آورند ← متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

تحرک اجتماعی: به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر می‌گویند.

- انواع تحرک اجتماعی
  - صعودی
    - کارمند یک اداره هنگامی که مدیر بخشی از آن اداره می‌شود.
    - مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود.
  - نزولی: مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به‌صورت کارمند عادی به کارش ادامه می‌دهد.
  - افقی
    - اگر شخصی شغلش را تغییر دهد اما شغل جدید موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد.
    - کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود.
  - درون‌نسلی: یک فرد در طول زندگی خودش - مثال: کارمند یک بانک که رئیس بانک می‌شود.
  - در دو نسل: یعنی یک فرد نسبت به والدینش - مثال: فرزند یک کشاورز که مهندس می‌شود.

@DaneshSad

فرصت‌های پیشِ روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف یکسان نیست.

هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد.

جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد ← تحرک اجتماعی صعودی را برای یک نژاد خاص فراهم می‌آورد.

جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت می‌دهد ← تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند ممکن می‌سازد.

در یک جامعهٔ دینی ← هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده می‌گیرند به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

- در یک جامعهٔ غیردینی
  - به هویت دینی و معنوی افراد اجازهٔ بروز و ظهور اجتماعی نمی‌دهد.
  - **مثال:** جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی